

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۱۳ جولای ۲۰۲۰

جنبش کارگری، اعتراضات و دستمزدها

شاخصه های جنبش کارگری، هم‌دیف با طرح مطالبات اولیه، تقابل و رودروئی عملی با سیاست های سرمایه داران و کارفرمایان است.

عمق تعرض به تولید کنندگان و سازندگان اصلی جوامع بشری به بالاترین مرحله خود رسیده است. زندگانی از آن آنان نیست و قدرت‌مداران و سرمایه داران به یمن ارگان‌ها، نهادها و دم و دستگاه‌های دولتی - حکومتی، سوار بر جنبش کارگری شده اند. بالا کشیدن حقوق کارگران، منع اعتراضات و اعتصابات کارگری و متعاقباً دستگیری، شکنجه و حبس، جامعه کارگری را با وضعیت بُرنجی رودرو ساخته است. کارگر در معرض تهاجم وحشیانه سرمایه داران است و برای کسب پایه‌ئی ترین نیازهایش با مدافعان استثمار در کلنجار می‌باشد. در حقیقت صاحبان تولیدی و حاکمان، امنیت زندگی را برای میلیاردها انسان جهان ناامن و به موازات آن بر دامنه نامطمئن‌ی های شغلی کارگران و محرومان افزوده اند. افزایش بیش از پیش بیکاری - در اثر پخش ویروس کرونا - و بی چشم اندازی از آینده و ناتوانی در تهیه [نیازمندیهای] روزمره زندگی، مردم و اجتماع کارگری را با دشواری‌ها و موانع بزرگی روبه رو ساخته است. بی دلیل نیست که جهان سرمایه داری در حلقه بُحران گیر کرده است و بار آن را بر دوش کارگران و دیگر توده های ستمدیده سرشکن می‌کند؛ جهانی که به دو سوی کاملاً متضاد از هم تقسیم شده و طبعاً سوی قدرت بناحق، و با حمله به تنه های کارگران و با سرکوب دائمی میلیون‌ها توده دردمند بر دوام مانده است.

این پیکره جهان طبقاتی و جامعه کارگری سرتاسر جهان است؛ جهان و جامعه ای که در آن جنگ و تعرض به هستی کارگران و محرومان چنگ انداخته و زندگی و جان بیشتری را می‌گیرد. راه اندازی و شعله ورتر کردن جنگ‌های امپریالیستی و نیز فسخ قراردادهای درازمدت و بیکارسازی سازندگان اصلی در زیر سلطه عده ای محدود عادی شده است. صاحبان تولیدی و حاکمان حقوق ناچیز کارگران را نمی‌دهند و با قلدری تمام به سرکوب و منکوب اعتراضات و اعتصابات آنان می‌پردازند؛ به عبارت دقیق تر ارگان‌های سرکوب وابسته به بالائی‌ها در پیش اند و در مقابل طبقه کارگر هم، علی‌رغم محدودیت‌ها و علی‌رغم فقدان سازماندهی متناسب با قوانین حاکم بر جامعه، و نیز بدون پشتیبانان عملی، زنده تر و شاداب تر، در میادین تولیدی و طبقاتی، طبقه سرمایه داری را به نبرد فرا می خواند. به طور مثال جدا از اعتصابات بخش‌های متفاوت تولیدی در امریکا، هزاران تن از کارگران آمازون، هول فودز، والمارت، تارگت، فد اکس و چندین سرویس تحویل غذا به دلیل فقدان تأمین تجهیزات محافظتی کافی در برابر ویروس کرونا، در محل کار

دست به تظاهرات زدند؛ اعتصابات گسترده کارگران حمل و نقل و پرستاران و دیگر خدمات بهداشتی در فرانسه پیرامون افزایش دستمزدها و بیمه های بیکاری و باز نشستگی و در ادامه اعتراض بیش از سه هزار تن از کارگران بخش صنعت خودروسازی افریقای جنوبی نسبت به پائین بودن دستمزدها و غیره، حکایت از این واقعیات دارد که تا چه اندازه اوضاع معیشتی و کاری کارگران در زیر مناسبات و سیستم سرمایه داری وخیم و اسفبار است.

سرمایه داران در کارخانه ها را می بندند و میلیون ها انسان را بیکار می کنند تا سیاست های ضد کارگری شان را پی گیرند. این دست سیاست ها همه گیر شده است و مختص به این جامعه و یا آن جامعه نیست. طبقه کارگر همه جوامع با چنین وضعیت وخیمی روبرو می باشند و با صراحت می شود گفت که تفاوت آنچنانی از موقعیت طبقه کارگر جوامع متفاوت نیست و در این میان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هم در چهارچوب سیاست های امپریالیستی و ضد کارگری، تابه حال سنگ تمام گذاشته اند و تمام وقت، در پی استثمار و بالا کشیدن دستمزدهای ناچیز و سرکوب کارگران اند. متأسفانه مدت های مدیدی است که در ایران زیر سیطره سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه برای کسب حقوق پرداخت نشده به یکی از معضلات و مشکلات اصلی کارگران تبدیل شده است؛ نیز دیده شده است که چگونه دولت مردان نظام در چهارچوب منافع صاحبان تولیدی و کارفرمایان با شتاب هر چه بیشتری به سرکوب اعتراضات کارگری پرداخته اند. در حقیقت دوره و یا لحظه ای از حیات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، خالی از تعرض به معیشت و بگیر و ببند، حبس و قلع و قمع جنبش های اعتراضی کارگران نیست.

به طور نمونه جمعی از کارگران شهرداری صنعتی پالایشگاه آبادان به عدم پرداخت مطالبات مزدی شان و نیز بیش از صد تن از کارگران پیمان کاری نفت فلات قاره - خارگ نسبت به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه شان دست به اعتراض زدند؛ هفتاد تن از کارگران بخش تعمیرات «مجمع کشت و صنعت هفت تپه» به دلیل فسخ قرارداد از سوی کارفرمایان دست به اعتراض زدند و خواهان بازگشت به کارند؛ کارفرمایان شهرداری کوت بیش از سه ماه حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند؛ «عمران روشنی مقدم» کارگر میدان نفتی یادآوران هویزه به دلیل عدم پرداخت حقوق دست به خودکشی زد. وی با پیمانکار مؤسسه تماس گرفت و گفت «دیگر چیزی ندارد که به زن و بچه اش بدهد و از تأمین نان شبش عاجز است»؛ اعتراض چندین باره و به ویژه نزدیک به یکماهه کارگران بخش های مختلف نیشکر هفت تپه نسبت به عدم پرداخت حقوق ها و دیگر مطالبات و بلاتکلیفی شغلی؛ اعتراض کارگران تلمبه خانه غرب کارون، شرکت رامپکو زیر مجموعه شرکت مهندسی توسعه نفت، در مقابل استانداری خوزستان نسبت به پرداخت نشدن حقوق ۷ ماهه شان؛ اعتراض کارگران ابنیه فنی زاگرس در عدم پرداخت حقوق معوقه شان و در ادامه کارگران شرکت مخابرات استان فارس نسبت به تبعیض ها و تبدیل قراردادهای شان مقابل مخابرات دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار دستمزد و حقوق برابر در برابر کار برابر با کارکنان رسمی شرکت شدند.

البته موارد بالا در برگیرنده تمامی اعتراضات کارگری در برابر استثمارگران و سرکوبگران نظام جمهوری اسلامی نیست و فقط و فقط، بازگو کننده گوشه هایی هر چند کوچک، از اوضاع کارگران ایران می باشد. متأسفانه در زیر سلطه سرمایه داران ایران درخواست حقوق در ازای کار انجام شده جرم به حساب آمده و کارگر با عکس العمل های متفاوتی همچون دستگیری، اخراج و زندان روبرو است. بی علت نیست که از آغاز بر سر کار گماری نظام جمهوری اسلامی، فضای جامعه کارگری، به فضای مقابله و روبرویی سیاسی، صنفی و عملی با صاحبان تولیدی و کارفرمایان و دولت های حامی آنان تبدیل شده است. براستی هر صفحه از تاریخ مبارزاتی - اعتراضی طبقه کارگر ایران، پر از تنش و پُر از درگیری با نهادها و ارگان های وابسته به دم و دستگاه های حکومتی است. اگرچه ثمره هایش ناکامل و یا بی ارتباط با دیگر بخش های کارگری و تولیدی است، ولی حاوی دست آوردهای مبارزاتی و نیز حاوی شور سیاسی گسترده و

پُردامنه در برابر صاحبان تولیدی و حکومت حامی آنان می باشد. به این علت که طبقه کارگر ذاتاً جنبش ضد سرمایه، و نیز ذاتاً مخالف استثمار، بی عدالتی ها و نابرابری های درون جامعه و میادین تولیدی است. پس، تفاوت است بین جنبش صرفاً ضد دولتی، با جنبش ضد حکومتی مبتنی بر تقسیم ثروت جامعه. بدین ترتیب بجا و صحیح است تا طبقه کارگر ایران را در حوزه دُوم گنجانند و ترس و وحشت نظام های طبقاتی و از جمله نظام وابسته جمهوری اسلامی هم، نه از جنبش مدافع رفرفرم و مماشات طلبی، بساکه جنبش سرنگونی طلب و به خصوص جنبش جایگزینی سیستم و مناسبات مختص با تأمین و تضمین حقوق میلیون ها انسان دردمند و ستم دیده است.

تعرض به طبقه کارگر قابل توضیح نیست. زندگی را برای سازندگان اصلی جوامع به مرگ تدریجی تبدیل نموده اند و مگر بی دلیل، نظر سیاسی طبقه کارگر تغییر بنیادی مناسبات جامعه و نیز به زیر کشیدن دولت حامی آنان می باشد؟ دولت هائی که در راستای سیاست های طبقه سرمایه داری، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دارد، گام به گام دایره زندگی کارگران را تنگ و تنگ تر و در ابعادی دهشتناک تر به سرکوب درخواست های پایه نی کارگران می پردازند. نیز پُر واضح است که نظام جمهوری اسلامی هم در راستای وظایف ضد کارگری اش به مانند دیگر دولت های حامی سرمایه در پیش است. کاملاً پیداست که نظام جمهوری اسلامی - به مانند همه نظام های سرمایه داری -، سازمان و نهادهای متناسب با منافع خود را در درون کارخانه ها و دیگر میادین مبارزاتی - طبقاتی، به کارگران تحمیل کرده است و در مقابل طبقه کارگر هم نیازمند سازمان متناسب با نیازها و اهداف سیاسی - اقتصادی خود در درون کارخانه ها و در دیگر میادین استثمار و اجحاف می باشد؛ سازمانی که از دل طبقه کارگر برخاسته و تمام قد در پی تضمین و تأمین منافع طبقه کارگر می باشد.

دودلی نیست که طبقه کارگر ایران نیاز به تغییر ریل زبان دیده دارد؛ نیز معلوم شده است که به دلیل بافت اقتصادی و تک محصولی جامعه، به دلیل وابستگی تمام عیار نظام حاکم بر ایران به قدرت مداران بزرگ جهانی، و به دلیل سرکوب عریان و خشن، طبقه کارگر ایران قادر به برپائی و ایجاد شکل مخنص به اهداف سیاسی - صنفی خود نیست. به این علت که نظام مبتنی بر قانون مندی های حاکم بر جامعه، راه هرگونه تشکل و سازمانیابی طبقه کارگر را محدود و مانع پیشرفت های سیاسی - اقتصادی طبقه کارگر گردیده است. بدین ترتیب تغییر وضعیت موجود در وحله نخست در گُرو حضور سازمان مدافع طبقه کارگر در میادین متفاوت طبقاتی، و در ثانی در گُرو پاسُخگویی عملی و مسلحانه به تحرکات مسلحانه ارگان های حافظ بقای امپریالیستی در درون جامعه است. تنها با انتخاب این دست سیاست ها و تاکتیک های سازمانی است که زمینه های پیشرفت و سازمانیابی جنبش کارگری را فراهم و تضمین خواهد نمود.

متأسفانه دهه هاست که طبقه کارگر ایران به مانند دیگر کارگران جهان، از فقدان تحرکات کمونیستی و انقلابی نیروها و جریانات وابسته به خود صدمه می بیند. جمهوری اسلامی به مانند دیگر دولت های امپریالیستی بر دوام مانده اند و با وقاحت و با درنده خوئی تمام به سرکوب جنبش های کارگری می پردازند، به این علت که صحن جامعه و میادین تولیدی خالی از حامیان سازمان یافته و عملی کارگران اند. در حقیقت دلیل اصلی نافرجامی طبقه کارگر - و علی رغم گستردگی اعتراضی - مبارزاتی -، ربط مستقیم به عدم حضور حامیان حقیقی و عملی کارگران در میادین تولیدی- طبقاتی دارد. حافظان سرمایه با گستاخی تمام جان کارگران را به لب شان رسانده اند و هرگونه اعتراض و مطالبات پایه نی شان را با شلاق، حبس و با اخراج پاسُخ می دهند. همین چند روز قبل بُود که "شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری اراک در حکمی بی سابقه ۴۲ تن از کارگران شرکت پیمانکاری آذراب را که در راهپیمائی اعتراضی سال گذشته شرکت داشتند، به ۱ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و ۱ ماه بیگاری به مدت ۳ ساعت در روز در راه آهن شهرستان اراک محکوم شده اند".

این چهره حقیقی سردمداران نظام جمهوری اسلامی و ارگان‌های متعلق به آنان در برابر خواست‌های بدیهی کارگران است. سؤال این است در جامعه ای که کارگر را به دلیل شرکت در راهپیمائی و یا به دلیل درخواست حقوق معوقه اش به حبس و به شلاق محکوم می‌کنند، مگر می‌شود آن جامعه را، جامعه مطابق با به رسمیت شناختن حقوق انسانی به حساب آورد؟ البته ناگفته نماند، این اولین بار نیست که در زیر سلطه نظام جمهوری اسلامی، کارگران مورد بی حرمتی، تهدید و توهین قرار می‌گیرند و به شلاق و حبس محکوم می‌شوند. در حقیقت صفحات سیاسی سران حکومت پُر از کلاشی، پُر از بالا کشیدن اموال عمومی، تاراج منابع طبیعی مملکت و پُر از سرکوب افسار گسیخته ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی است. تابه حال پاسخ جمهوری اسلامی به ابتدائی ترین نیازهای توده های محروم و کارگران، چیزی جز تهدید و حبس و شکنجه نبوده است. هم چنین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در چهار دهه حکومت مداری شان و آنهم با عریانی تمام نشان داده اند که زبان و منطق شان، جز به کارگیری زور سازمانیافته و سرکوب وحشیانه مطالبات توده های ستمدیده و کارگران نیست. نیز به تجربه دریافته شده است که هیچ نهاد و یا ارگانی طرف کارگران نیستند و سر نهادهائی همچون شوراهای اسلامی کار و غیره به نظام جمهوری اسلامی وصل است. پس یک راه متضمن پیشرفت سیاسی و در حقیقت ضامن ثمربخشی اعتراضات کارگری خواهد بود و آنهم عروج سازمان متناسب با قانونمندی‌های حاکم بر جامعه است؛ سازمانی که عالیت‌ترین شکل از مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه را در دستور کار خود قرار دهد و مانع دست درازی بیش از پیش سردمداران نظام جمهوری اسلامی شود.

خلاصه جمهوری اسلامی در پیش است به این علت که بخش‌های متفاوت کارگری فاقد سازماندهی متناسب با شرایط اقتصادی - سیاسی حاکم بر جامعه، و نیز فاقد حضور و پشتیبانی عملی سازمان‌ها و جریانات وابسته به خود در میدانی متفاوت طبقاتی است. خلأ و کمبودهای اساسی که باعث گردیده است، تا نظام جمهوری اسلامی بر دوام ماند و به استثمار و به سرکوب عریان و وحشیانه کارگران و دیگر توده های ستمدیده پردازد.

۱۲ جولای ۲۰۲۰

۲۲ تیر [سرطان] ۱۳۹۹